

## فعالیت احزاب در مصر

ثناء فواد عبدالله پژوهشگر مصری

ترجمه: ماجد نجار

### مقدمه

بدون تردید بحران احزاب به بحران حکومتی ارتباط دارد و نمی‌توان این دور را از یکدیگر جدا کرد. بدون رشد و توسعه حکومت، احزاب زمینه مناسب برای رشد و توسعه نمی‌یابند چون حکومت، خود نمونه و الگویی برای احزاب است و در عین حال پیامد دینامیسم و ارزشهای همگونی است که تمامی ابزارها و تشکیلات موجود در خود را به حرکت در می‌آورد.

رشد خشونت و گروههای افراطی در میان احزاب مخالف، بدون تردید واکنشی در برابر افراط‌گرایی و خشونت مقامات دولتی است و رشد احزاب قدرتمند و دموکراتیک در یک رژیم خود کامة که بر پایمال کردن آزادیهای مردم و سرکوب استوار است، غیرقابل تصور است. احزاب تنها در صورتی می‌توانند به وظایف خود عمل کنند و رشد یابند که رژیم سیاسی و اجتماعی موجود ایفای نقش را برای آنان امکان‌پذیر سازد.

استثناءً حداکثر تا مدت سه سال خارج از قوانین آزاد سازی تجارت عربی به فروش برسانند. اما تاکنون کشورهای عربی بیش از ۱۹۰۰ کالا را مشمول این استثنائات کرده اند، به طوری که کشور مغرب ۷۹۹ کالای تولیدی، مصر ۶۱۷ کالا و سوریه ۱۹۹ کالای تولیدی خود را در خارج از چارچوب قانون آزاد سازی تجارت عربی قرار داده اند. واضح است که کشورهای فوق الذکر جزو کشورهای مهم عربی به شمار می‌آیند و تأسیس منطقه بزرگ تجار عربی بدون حضور آنها ممکن نیست. اما با توجه به تعداد کالاهایی که این کشورها مشمول استثنا کرده اند بعید نیست که به تشکیل این منطقه در سال ۲۰۰۵ تمایل جدی نداشته باشند.

مسئله نخست موجود در چالش دموکراسی از دیدگاه جامعه، به موضوع دموکراسی در داخل جنبشهای سیاسی ارتباط دارد که همانا چگونگی روابط موجود میان رهبری و اعضای حزب است و این روابط نخستین گونه قدرت سیاسی در جامعه را تشکیل می دهد.

مسئله دوم در چالش دموکراسی به تحلیل روابط موجود در میان احزاب سیاسی فعال و آشنایی با توانمندیهای آنها در برقراری روابط دموکراتیک با یکدیگر به عنوان نمایندگان منافع اقشار و گروههای اجتماعی برجسته ارتباط دارد که باید براساس گفتگو و رقابت سازنده و صلح آمیز باشد و نه خشونت آمیز و ستیزه جویانه و یا نادیده گرفتن متقابل.

مسئله سومی نیز مطرح است که همانا روابط موجود میان احزاب و حکومت و یا قدرت مرکزی است و مشخصه های این روابط و ساختار آن و همچنین راههای رویارویی با تنشها در حقیقت شبکه سیاسی را تشکیل می دهد و توانمندیهای رژیم در آن مجسم می شود.

مرحله آغاز تشکیل احزاب سیاسی در

مصر (در دوران معاصر) به سال ۱۹۷۶ بازمی گردد. در آن هنگام انور سادات تصمیم گرفت به سه جناح موجود در داخل تشکیلات حاکم «اتحادیه سوسیالیست عربی» که نمادی از گرایشهای چپ و راست و میانه بودند اجازه فعالیت دهد چند ماه بعد این جناحها به صورت احزاب سیاسی درآمدند:

- حزب مصر عرب سوسیالیست، که ممدوح سالم نخست وزیر وقت دبیر کل آن بود و در سال ۱۹۷۸ با تأسیس حزب دموکراتیک توسط سادات، حزب مصر عرب سوسیالیست خود را منحل کرد و بیشتر اعضای آن به عضویت حزب ملی درآمدند.

- حزب آزادگان سوسیالیست، رهبری آن با مصطفی کامل مراد بود که جزو افسران آزادی خواه انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ به شمار می رفت.

- حزب گردهمایی ملی پیشرو وحدت طلب، با دبیر کلی خالد محیی الدین که او نیز از افسران آزادی خواه انقلاب ۱۹۵۲ بود. در سال ۱۹۷۷ قانون تشکیل احزاب سیاسی به تصویب رسید. احزاب کنونی مصر بدین شرح می باشند:

(جدول شماره ۱)

همچنان که در جدول نمایان است بیشتر احزاب مشروعیت خود را پس از آنکه کمیسیون احزاب با تأسیس آنها مخالفت کرد بر اساس احکام قضایی به دست آورده اند و این بدان معناست که قوه قضاییه نقش برجسته‌ای در روند تحول دموکراتیک در مصر بر عهده داشته است.

حزب ملی دموکراتیک بیشتر وابسته به قشر بروکراتیک بالا و بورژوازی نوین است که در خارج از چارچوب دستگاهها و بخش دولتی توسعه پیدا کرده و در عین حال از پشتیبانی گروههای متوسط جامعه برخوردار است. این حزب در عین حال سعی کرده است تا از پشتیبانی گروههای متوسط جامعه برخوردار شود. بیشتر مقامات عالی این حزب را ثروتمندان و استادان دانشگاه و فئودالها و مقامات اجرایی استانها تشکیل می دهند. این حزب دارای نزدیک به دو میلیون و پانصد هزار عضو است و پایگاههای آن در تمامی استانها برقرار است.

حزب وفد نماینده منافع بخش مهمی از قشر بزرگ بورژوازیهای مصر است و از پشتیبانی گروههای گسترده‌ای از فرهیختگان میانه رو مصری برخوردار است.

این حزب به طور اصولی دارای دیدگاههای لیبرال است و دارای ۱۶ پایگاه در سراسر مصر است و نزدیک به دو میلیون نفر عضو دارد.

### حزب آزادگان

حزب آزادگان از همان آغاز تأسیس خود در سال ۱۹۶۷ خود را راست گرا و هوادار بخش خصوصی معرفی کرد و از هواداری بخشی از لیبرال به ویژه قشر بورژواهای بزرگ و متوسط برخوردار است ولی پس از به صحنه آمدن حزب وفد و پیوستن بعضی از اعضای حزب آزادگان به وفد پایگاه آن تضعیف شده است. اعضای آن نزدیک به ۵۰ هزار تن هستند و ۳۶ پایگاه در ۲۳ استان دارد.

حزب کار دارای اندیشه‌های سوسیالیستی است و در میان طبقه متوسط جامعه طرفدار دارد. این حزب پس از هم پیمانی با اخوان المسلمین هیچ گونه تغییری در برنامه‌های خود نداد اما در شعارهای خود بر جنبه‌های مذهبی افزود. این حزب دارای دویست هزار عضو از دانشجویان و کارگران و کارمندان است و در

تمامی استانها به جز در استان سیما فعالیت دارد.

حزب گردهمایی ملی دارای اندیشه های چپ گرایانه است و به مسایل کارگران، کشاورزان و فرهیختگان توجه نشان می دهد، اما پایگاه اجتماعی حزب امت و حزب مصر جوان را نمی توان مشخص کرد ضمن آنکه حزب امت اعلام می کند که برقراری دولت اسلامی که شرع اسلام منبع اصلی قانون گذاری آن است، هدف اوست.

حزب عرب دموکراتیک ناصریسم از نظر پایگاه مردمی با حزب گردهمایی شباهت دارد و هواداران این دو حزب از کارگران، کشاورزان و فرهیختگان و جوانان هستند.

حزب خلق دموکراتیک اندیشه های لاییک را از اصول خود قرار داده است و با دولت اسلامی مخالف است و شرع اسلام را به عنوان منبع قانون گذاری رد می کند. به هر حال احزاب مصری از ضعف پایگاه مردمی رنج می برند و به طور کلی توجه خاصی در برابر جامعه نشان نمی دهند.

در عین حال خواسته های دموکراتیک احزاب با عدم رعایت دموکراسی

و پابندی بدان در تشکیلات داخلی احزاب در تناقض است. رهبریهای احزاب همچنان در جای خود قرار دارند به طوری که می توان گفت این احزاب به صورت ارگانهای شخصی درآمده اند.

### امکانات جا به جایی قدرت

جا به جایی قدرت یکی از اصول اساسی در سیستم دموکراسی واقعی است اما فعالیت های حزبی از یک سو و وضعیت رژیم سیاسی حکومتی از سوی دیگر، نشان می دهد که اندیشه جا به جایی قدرت در مصر اجرا شدنی نیست.

### روش مخالفت های سیاسی

احزاب مصری مخالف، با پیروی از روش خروج از صحنه سیاسی، مخالفت خود را با فعالیت های سیاسی نشان می دهند. این روش نزد هریک از احزاب با دیگری متفاوت است. این روش اعتراض آمیز به ویژه در تحریم انتخابات محلی و پارلمانی مشخص است. این روش از سال ۱۹۸۷ آغاز شد.

احزاب مخالف در مصر از پدیده دودستگی و انشعاب رنج می برند و در عین

حالی این احزاب در رویارویی با دولت به صورتی ناکام بوده اند و نتوانستند خود را به صورت یک قدرت سیاسی جانشین دولت معرفی نمایند در حالیکه تمامی عواملی که همگی آنها با آن روبه رو هستند آنان را در یک سنگر قرار داده است و همگی با مشکلات یکسان مواجه هستند و فشارهای مشابهی از سوی دولت بر آنها تحمیل می شود.

حزب ملی حاکم در رویارویی با احزاب مخالف چپ گرا و راست گرا از روش تدافعی بهره گرفت و در برابر انتقادهای احزاب مخالف به مطرح کردن دستاوردهای خود اکتفا کرده است بدون آنکه درباره آینده سخنی بگوید.

اشغال مرکز قدرت به وسیله حزب ملی حاکم، دیگر احزاب را تشویق به نزدیک شدن به این مرکز قدرت نکرده است و در حقیقت این موضوع خارج از چارچوب رقابتهای قرار گرفته است و این بدان معنی است که نیروی دافعه این مرکز بیش از جاذبه آن است، بنابراین حضور حزب ملی در مرکز قدرت به عنوان نتیجه ای برای رقابت به شمار نمی آید بلکه یک پدیده تصنعی محسوب

می شود که رهبری سیاسی نظام خواسته است آن را به عنوان حزب دولتی در مرکز قدرت قرار دهد. در عین حال رقابت میان احزاب چپ گرا و راست گرا به ادامه تسلط حزب حاکم بر قدرت منجر شده است.

**انتخابات سال ۲۰۰۰ و نشانه های رشد سیاسی**

مهار رشد دموکراسی در چارچوب تعدد احزاب، صفت عمومی رژیم سیاسی مصر محسوب می شود که از رشد دیگر زمینه های اصلاح دموکراتیک جلوگیری می کند. نظام حاکم در مصر از بی تحرکی رنج می برد و در این میان فقط به از میان برداشتن تنشهای اجتماعی، اقتصادی و مذهبی توجه نشان می دهد. به کارگیری قانون «اعلام اوضاع فوق العاده» یکی از اهرمهای نظام است.

سیستم انتخابات در مصر به گونه ای است که به رأی دهندگان آزادی ظاهری می دهد تا آنان را به شرکت در انتخابات تشویق کند بدون آنکه بتوانند حزب ملی دموکراتیک را که حاکم بر کشور است از قدرت پایین کشند. در این زمینه حزب حاکم

سعی می کند به طور غیر مستقیم و با دادن وعده اصلاحات در قانون اساسی بعضی از احزاب مخالف را به کنار گذاردن تهدیدهای خود درباره تحریم انتخابات وادار نماید و این در حالی است که احزاب مخالف همچنان دچار دودستگی و انشعاب می باشند و تنها حزب و یا گروهی که می تواند در مناطق فقیرنشین در شهرها و شهرکها مردم را در انتخابات بسیج کند، اخوان المسلمین هستند و به همین علت این گروه همچنان از شرکت در انتخابات به طور کامل و گسترده دور نگهداشته می شود.

در چارچوب بحرانهایی که حزب حاکم با آن روبه روست می توان به مسایل ذیل اشاره کرد:

۱. از دیدگاه سیاسی دموکراتیک هیچ حزبی نمی تواند بدون کاهش شدید محبوبیت خود بیش از دو دهه در قدرت بماند، و رکود اقتصادی نیز بر کاهش محبوبیت آن خواهد افزود.

۲. گفته می شود که انتخابات سال ۲۰۰۰ شاهد پدیده «رأی تنبیهی» بود و رأی دهندگان مصری برای تنبیه و مجازات حزب حاکم به نامزدهای مستقل به ویژه آن

عده که به جناح اسلامی وابسته بودند رأی دادند.

۳. این انتخابات ثابت کرد که حزب حاکم بر دستگاه دولتی اعتماد دارد و پایگاه مردمی آن دچار بی تحرکی و پیری شده و ارتباط آن با مردم با سسستی روبه رو شده است.

بزرگترین شگفتی انتخابات سال ۲۰۰۰ پیروزی ۱۷ تن از نامزدهای وابسته به اخوان المسلمین بود. با وجود آنکه این گروه به طور رسمی ممنوع است اما پس از حزب حاکم دومین گروه پارلمانی (فراکسیون) است. نظارت دستگاه قضایی بر انتخابات و استراتژی اخوان المسلمین در خودداری از تحریک مقامات علیه خود و نامزد کردن نخستین زن در انتخابات از جمله عوامل موفقیت این گروه بود. فهمی هویدی عقیده دارد «حزب اسلامی» به صورت واقعی درآمد است که دور اندیشی سیاسی ایجاب می کند آن را به حساب آورد و نمی توان آن را نادیده گرفت و یا با آن به مبارزه پرداخت و یا حتی ریشه کن کرد. فهمی هویدی می افزاید: «در عین آنکه قانون اساسی مصر، اسلام را دین رسمی کشور عنوان کرده و

شرع اسلام را منبع اصلی قانون گذاری  
عنوان نمی کرد. به ویژه آنکه نه دهم مردم  
دانسته است بر حفظ یک پارچگی ملی نیز  
مصر مسلمان هستند.»  
تأکید کرده و این بدان معنی است که  
قانون گذار می دانسته است این دو موضوع  
تعارضی با یکدیگر ندارند. در غیر  
این صورت قانون گذار چنین مطلبی را



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی